سؤالات بعد از درس:

شاگرد۲: این احتمال ثبوتی هست که مصلحت خروج مسلمین برای عید نزد شارع به قدری سنگین باشد که کسی سؤال نکرده باشد؟

استاد: بله ولی اصحاب ائمه که محضر ائمه میرسیدند، نوعاً ملتزم به شرکت در جمعه آنها نبودند. ملتزم به شرکت در نماز عید آنها نبودند. خیلی وقت ها کارهایشان فردی بوده. لذا عرض کردم کسی که فردی کار میکند، باید سؤال کند که فردا مردد بین واجب و حرام هستم! از امام بپرسد که احتیاط بکند یا نه.

شاگرد: محمل تقیه هم بسته است.

استاد: عملاً تقیه نمی کردند. شواهدی هم دارد. حتی برای بنی امیه هم هست. در کتب اهلسنت هست. میگوید «ان الشیعه لایصلون مع بنی امیه».

شاگرد۲: مسافر در موقف به چه صورت است؟

استاد: مسافر میتواند صوم مستحب بگیرد. اما اختلاف هست که باید نذر کند یا نه، مطلقاً میتواند صوم مستحب را در مسافرت بگیرد. در عرفه هم کسانی که در مکه قصد تمام کردهاند و در عرفه شکسته هست یا نیست، خودش روایاتی دارد. با آن کار حضرت و چیزی که عثمان و معاویه انجام داد و اعتراض مروان به معاویه ... . در تاریخ معروف است. ولی یک قول قوی هم هست که روزه مستحب در سفر مشکل نیست. قضاء ماه مبارک را نمیتواند ولی مستحب را میتواند. [d1]

شاگرد: طبق بیان حضرت عالی انشاء طولی به این صورت میشود که ابتدا «لم یفرض الصیام» است، ولی بهخاطر نکاتی مثل عید مسلمین و مجموعه اموری بعداً حرام شده. یعنی ذاتش مثل صلات نیست که از همان ابتدا واجب باشد.

استاد: اینکه عید مسلمین است، یعنی ولو هیچ کسی عید نگیرد؟

شاگرد: نه.

استاد: پس معلوم میشود که مالکی را مبدأ انشاء ثبوتی میگیری که رنگ خود آن مالک اثباتی است. عید مسلمین است. شما میگویی نه. اول شوال، ولو هیچ مسلمانی هم عید نگیرد، عید مسلمین است.

شاگرد: مقصودم این است که اگر علم باشد، دیگر مسلمین شکل نمیگیرد. لذا اول شوال را میگذارد برای مسلمین. اگر شما بگویی برای هر فرد، علم در موضوعش باشد، دیگر عید مسلمین شکل نمیگیرد. یکی میگیرد و یکی نمیگیرد.

استاد: علم به اول شوال، نه علم به عید بودن. علم به اول شوال، موضوع میشود برای یوم العید شدن و حرمت صوم.

شاگرد۲: چون در مدینه بودند و روزه نگرفته بودند نشان می دهد چون که بقیه روزه گرفته بودند می خواستند ترک کنندااستاد: شما می خواهید این محل را در کنید؟

شاگرد۲: بله

شاگرد۳: به نظر من چهار حالت میشه؛ اینکه بگوییم روزه روز دهم ذی الحجه حرام است که شما در می کنید

استاد: در نمی کنم بلکه طبق این احتمال نمیشه

شاگرد۳: یکی هم اینکه روز دهم ذی الحجه که من بدانم دهم است روزه حرام است، یکی اینکه روز دهم ذی الحجه که بقیه بدانند و عید گرفته باشند روزه حرام است

استاد: خب این احتمال که می شود شیاع، این با آنچه من می گویم فرقی ندارد چون گفتم: اینکه من بدانم نه اینکه من بدانم یعنی اثباتاً عید باشد

شاگرد۳: چهارمی اش هم اینکه روز دهم ذی الحجه ای که من بدانم که دیگران عید گرفته اند. در فرض قبلی من بدانم نبود ولذا حضرت فرمودند من شک دارم لذا می ترسم یعنی واقعش تصور دیگران بود. جهت اثباتی اش پررنگ‌پررنگ می شود.

استاد: یعنی با اینکه دیگران گرفتند من می ترسم؟

شاگرد۳: من نمی دانم دیگران گرفتند یا نگرفتند حال من بستگی به دیگران دارد اگر علم من مهم بود من که نمی دانم پس حرمتی ندارد

استاد: من اتفاقاً در بیابان هستم آن روز و رفتم مسافرت

شاگرد۳: گفتم من در مدینه ام نمی دانم در موقف چه خبر است پس حرمتی هم متوجه من نیست که خوفی داشته باشم چون واقع مهم است من خوف دارم اگر علم من مهم بود که خوفی نبود

استاد: ولی مقصود من از اینکه می گویم علم، اینکه از ثبوت برگردیم به نحوی به بستر اثبات، عیدیّت‌اِثباتیه داشته باشیم

شاگرد: به چه نحو؟ علم شخصی‌ـمن، علم به کار دیگران یا علم به واقع دیگران؟

استاد: واقع‌ـکار‌ـدیگران، منظور من این‌است. من علم را کاشف می گیرم ولذاست که حضرت می فرمایند اگر الان در موقف عیدشان است الان آن موضوع‌ـمنظور‌ـشارع، ثبوتاً الان محقق است. مقصود اصلی من که می گویم می دانم این‌است.

[d1]?? ????? 43:25 ?? 44:33 ???? ? ???? ???? ????

بازبینی #1
ایجاد شده 5 فوریه 2026 12:41:57 توسط ... .
به روزرسانی شده 5 فوریه 2026 12:44:44 توسط ... .